

بگفتی می باشد از این ...
 که در هر طرف ...
 یک است ...

سیا بانی سرشته و حیران و سرگردان شده باشد و بجهت اظهار اعجاز آن حضرت خود
 را با او بنماید و قصر او را پس بیند و خادم او در آتی او را از دو مترلی که باسد با او جدا
 برساند و از نظر او غایب شود و بعین موجب این شد که بعد ایشان ایمان آورده
 سینه خالص اثنی عشری شدند پس بجهت حکمت و مصلحت گاهی از اوقات بعضی از
 اشخاص بخدمت آن حضرت میرسیدند که موجب زیاد آه عقاد ایشان و سیاه
 سرومان بر وجود مبارک او شود و او را آثار کلمه بخلاف اینکه کسی او عارض شده
 و درین آور او در زمان غیبت گیری نماید بجهت اغراض باطله فاسده کاسده و بتوجه که
 موجب فساد است نوزدهم در بیان کسانی است که باید در رکاب
 طغیانستاب جناب خاتم الوصیین حضرت مهدی آل محمد محل
 الله فرجه باشند چه از مردگان و چه از زندگان و چه از ملائکه و چه
 از نبی جان و غیر نماید آنکه عکس حضرت ایشان حضرت مرتب مختلف دارد
 در او ایل ظهور در او اسطوره و در او اخرا مختلف شوند نظر با اختلاف اخبار و از او در باب
 چنانچه منقول است از جناب صاحب مناقب و مفاخر و امام الیاطن و در ظاهر مولانا
 ما امام محمد باقر علیه صلوة الله الملک الغافر که لشکر آن حضرت بعد هزار خواهد رسید
 و این محمول بر عکس آن است و میباشد که تمام روی زمین با آنها مشرف شود و این
 از جناب کاشف اسرار دقایق در مودات تمام حضرت امام جعفر صادق منقول
 است که بمفضل بن عمر فرمود حضرت مهدی هم بگوید هجرت خواهد فرمود و لشکر او

پس بنده در بعضی ...
 کسی در جای ...
 غیب بر این ...
 چون نوم از هر ...
 همگی در جای ...
 عدد شکر ...
 است با ...
 با ...
 با ...
 با ...

بگفتی می باشد از این ...
 که در هر طرف ...
 یک است ...

و از جانب ایشان که در این عالم سیر نمایند بیخیزند فیوضات غیر قیامیه ببندگان خدا
عالمیان از جانب حضرت خاتم الاوصیاء که امام زمان باشد و ایشان مدد و یاری
در امور خیرات و مبرات نمایند و این اشخاص از موایان خاص انخاص آن حضرت
میباشند که کسی آنها را نشناسد و ایشان خود را یکی نشناسد و هرگز در میان مردم آن
حای مشاهده امام و نیابت و باجیت و وکالت نکنند و شاید از ایشان با
آن سی نفر و یا هفتاد نفر و یا چهل نفر و یا بر وایتی که در هر هفته باید تمام روی زمین
نمایند و در هر روزی بطرف از اطراف عالم بسر برند که از موایان خاص آن جنابند که
پایه در هر جمعه بناز جمعه آن حضرت حاضر شوند که بنا بر وایتی از ایشان است حضرت
و ای پاس و این مذکورات بنا بر کلمات بعضی از علماء و محدثین می باشد و در بعضی
از اخبار تعبیر از آنها بتعبیر و نبیاده او آمده است و در کلمات بعضی اهل علم
تعبیر از آنها با قطاب و ابدال و اوگان نموده اند هر قومی با اصطلاحی و احتمال در
که ایشان ازین خلق باشند که در روی زمین و در میان مردمان میباشند که ایشان با
همامات الهیه درین قریب ظهور و طالعان جمع شوند و در شبیکه در صبح آن روز آن
حضرت از که ظهور فرماید ایشان در رخسارها خود خوابیده باشند چون صبح شود
هر یک از ایشان در زیر بالین خود صحیفه نوشته بیابند که در او نوشته شده باشد
طاعه معروفه پس این علامت بدانند که آن حضرت ظهور فرموده است پس همان
آن بعضی اهل الاوض و بعضی برابر سوار شده بخدمت آن حضرت برسد چنانچه تاویل

از این روایت که در هر هفته باید تمام روی زمین
نمایند و در هر روزی بطرف از اطراف عالم
سر برند که از موایان خاص آن جنابند که
پایه در هر جمعه بناز جمعه آن حضرت حاضر
شوند که بنا بر وایتی از ایشان است حضرت
و ای پاس و این مذکورات بنا بر کلمات
بعضی از علماء و محدثین می باشد و در
بعضی از اخبار تعبیر از آنها بتعبیر و
نبیاده او آمده است و در کلمات بعضی
اهل علم تعبیر از آنها با قطاب و ابدال
و اوگان نموده اند هر قومی با اصطلاحی
و احتمال در که ایشان ازین خلق باشند
که در روی زمین و در میان مردمان
میباشند که ایشان با همامات الهیه
درین قریب ظهور و طالعان جمع شوند
و در شبیکه در صبح آن روز آن حضرت
از که ظهور فرماید ایشان در رخسارها
خود خوابیده باشند چون صبح شود
هر یک از ایشان در زیر بالین خود
صحیفه نوشته بیابند که در او نوشته
شده باشد طاعه معروفه پس این علامت
بدانند که آن حضرت ظهور فرموده است
پس همان آن بعضی اهل الاوض و بعضی
ابرار سوار شده بخدمت آن حضرت برسد
چنانچه تاویل

عالمیان از جانب حضرت خاتم الاوصیاء که امام زمان باشد و ایشان مدد و یاری
در امور خیرات و مبرات نمایند و این اشخاص از موایان خاص انخاص آن حضرت
میباشند که کسی آنها را نشناسد و ایشان خود را یکی نشناسد و هرگز در میان مردم آن
حای مشاهده امام و نیابت و باجیت و وکالت نکنند و شاید از ایشان با
آن سی نفر و یا هفتاد نفر و یا چهل نفر و یا بر وایتی که در هر هفته باید تمام روی زمین
نمایند و در هر روزی بطرف از اطراف عالم بسر برند که از موایان خاص آن جنابند که
پایه در هر جمعه بناز جمعه آن حضرت حاضر شوند که بنا بر وایتی از ایشان است حضرت
و ای پاس و این مذکورات بنا بر کلمات بعضی از علماء و محدثین می باشد و در بعضی
از اخبار تعبیر از آنها بتعبیر و نبیاده او آمده است و در کلمات بعضی اهل علم
تعبیر از آنها با قطاب و ابدال و اوگان نموده اند هر قومی با اصطلاحی و احتمال در
که ایشان ازین خلق باشند که در روی زمین و در میان مردمان میباشند که ایشان با
همامات الهیه درین قریب ظهور و طالعان جمع شوند و در شبیکه در صبح آن روز آن
حضرت از که ظهور فرماید ایشان در رخسارها خود خوابیده باشند چون صبح شود
هر یک از ایشان در زیر بالین خود صحیفه نوشته بیابند که در او نوشته شده باشد
طاعه معروفه پس این علامت بدانند که آن حضرت ظهور فرموده است پس همان
آن بعضی اهل الاوض و بعضی برابر سوار شده بخدمت آن حضرت برسد چنانچه تاویل

باید در این کتاب...
که در این کتاب...
باید در این کتاب...
که در این کتاب...

نازل شود بعد از آن...
بطریق مسوده و ترو...
و ایضا همان حضرت...
و نه تراز مردگان...
تقرا از قوم موسی...
موسی اتمیه بندون...
و شهر ایشان در...
نمیرند و هفت تفرایشان...
موسی و حضرت شعیب...
فارسی رضی الله عنه...
زند ان امام حسن...
و از حضرت امام...
چند تفر در کاب...
بیاشد بدین رحمت...
چهار تفر و از شام...
سه تفر و از شبی...
هفت تفر و از کوه...

از این تفر...
باید در این کتاب...
که در این کتاب...
باید در این کتاب...
که در این کتاب...

باید در این کتاب...
که در این کتاب...
باید در این کتاب...
که در این کتاب...

در بیان آنچه در کتب قدیم مذکور است و آنچه در کتب جدید مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است

چهار نفر و از نواحی بصره شش نفر و از جرجان چهار نفر و از رسی
 چهار نفر و از کوه پاهای رسی چهار نفر و از قسم دوازده نفر
 و از نواحی و اطراف قم سیزده نفر و از اصفهان یک نفر و از
 کرمان چهار نفر و از کرمان یک نفر و از موالیه بقیه و از مرو سه نفر
 و از هندوستان پنج نفر و از قزوین سه نفر و از ماوراءالنهر
 سه نفر و از جبهه سه نفر و از کوفه دوازده نفر و از طوس و نواحی او
 هفت نفر و از غنیا پور چهار نفر و از سبزوار دوازده نفر و
 از دامغان سه نفر و از خاور چهار نفر و از مصر چهار نفر و از
 شیراز هفت نفر و از طبرستان دوازده نفر و از حلب چهار
 تن یا سه تن و از کوسس چارتن و این مذکورین بر او است آنچه جاود است
 و تته حد و آن سبب و سیزده نفر و اما بحال کتاب یا حدیث یا نوشته عالمی بر
 نکرده ایم و این بزرگواران در نزد ظهورین جوان باشند که چه از پیران باشند
 آنچه از پیران و در خبر است که همه این میسر و سیزده نفر از اولاد عم میباشند و شاید
 بر غالب آنها باشد یا محمول بر زنده آنها باشد یا محمول بر این باشد که در عم نشو و نما
 نموده باشند یا چون در طالقانی که در عم است محمول میشوند و از آنها به خدمت آن حضرت
 میرسند نه در فرمودند از اولاد عمند اگر چه از اعراب و غیره اعراب باشند و شاید
 همه آن سبب و سیزده نفر و طالقان جمع شوند و همی از ایشان که از اولاد عمند

در بیان آنچه در کتب قدیم مذکور است و آنچه در کتب جدید مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است

در بیان آنچه در کتب قدیم مذکور است و آنچه در کتب جدید مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است و آنچه در کتب معتبره مذکور است

این کتاب از کتابهای بسیار است که در این کتاب
 در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان

این شب از لشکرای خدا که شاقوتی بر آنها توحید داشت پس مردم خبر آن قوم را
 با و میدهند و از ترس و در و بر سب کردند که این قوم را بگیرند پس خداوند عالمان خوف
 و ترس و بی امانها در دل ایشان میاندازد و بعضی بعض دیگر میگویند که هنوز از
 این قوم خلاف و منگری بظهور نرسیده است تعجیل در امر گرفتن آنها نمایند شاید مرد
 از ایشان در قبیل از قبایل عرب باشد اگر شرارت از او ظاهر شود پس آن وقت
 باینها در آویزید و حال آنکه در سیاهی ایشان خوبی مشاهد میشود و اینها در حرم خدایا
 که خون ایشان مباح نیست تا آنکه حادثه رخ نماید که موجب جنگ با آنها شود پس آن
 مرد محرومی میگوید که ما این غیتم از ایشان شاید در عقب ایشان مردم دیگر باشند
 که با آنها باشد که چون آنها وارد شوند اینها با آنها یک دست شوند پس حال که اینها کنند
 و قوتند از ایشان ما از میان بردارید پیش از آنکه قوتی پیدا نمایند و من لکان ندارم
 خواب در فتن شمارا که آنکه حق خواهد شد پس ولایت خود را از ایشان غالی نماند پس یکی
 از میان ایشان گوید که چندین مثل ایشان وارد شود در این مکان و این بلد شاخوخ از ایشان
 نداشتند باشند زیرا که اینها سلاحی ندارند و قلعه که پناه بیاورند نخواهند یافت اگر در
 از برای آنها برسد اول ایشان را می کشیم مثل آنکه تشنه آب بخورد و بعد جوع با آنها خواهیم
 کرد و درین کلمات خواهند بود تا آنکه شب بر آید پس خداوند عالمان خواب را بر چشم
 و گوش ایشان مسلط خواهند فرمود و شبها آن طایفه با هم جمع میشوند مثل آنکه راوان
 بدردماری بیکدیگرند و در مستغرق تا آنکه حضرت قائم ظاهر شود و در ویم خیری آید

این کتاب از کتابهای بسیار است که در این کتاب
 در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان

این کتاب از کتابهای بسیار است که در این کتاب
 در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال و عیال و اولاد و فرزندان

خان هشتم جابر پسر سفیان و چهار نفر دیگر در تخریب ساقط است و آن دو نفر که
 در سر اندیبه تازل شده اند یکی جعفر پسر ذکریا و دیگری دانیال پسر
 داود است و چهار نفر در سندر اول جوهر پسر طرکان و دوم سعید پسر علی
 سیم شاه پسر برنخ چهارم حریر پسر حمیل اما آنکه از کشتی ناپیدا میگردد و معتقد پسر زید
 و اما آنکه از سیراف یا از شیراز است اسم او حسین پسر علوان است
 و اما دو کتیبه بوی سروا به اول پسر قاسم غلب و دیگری زیاده الله پسر زرقان
 و اما متحلی بقلبه ابوداود و دو شعاع است و اما طراف کهنه از تخریب بجهت طلب
 نمودن حق عبد الله پسر صاعد پسر عقبه است و اما آنکه از بلخ از قوم خود
 که کتیبه است تراوس پسر محمد است و اما آنکه احتجاج کنند با کتاب
 خداست بر ناصب و از برید است و در سرد که یکی متوجه پسر عبید الله قبایلی است و
 دویمی زید قاضی است این اسامی خاص این اسامی و این بلاد و قرانیکه در تخریب است
 اثر مطور است بسیاری از آنها با اسامی این زمان شباهتی ندارد و هم چنین بلاد
 غیر مشهور است شاید این اسامی در این زمان معروف شوند و این بلاد و قراء در آن
 دوران زمان محو شوند و شاید این اسامی و اشخاص در تخریب معروف و مشهور باشند
 و ترد عامه نامس نیزین اسم او را بخوانند و شاید همین اسامی باشند بغیر تغییر و تبدیلی
 لکن چون از بلاد بعیده و دماست متفرقه و در اطراف عالم از صحراء و دریا و کوهستان
 میباشند این اسامی در تخریب خود معروف باشند و این ولایات و دماست

این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است
 این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است
 این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است
 این خطبای بسیار است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

